

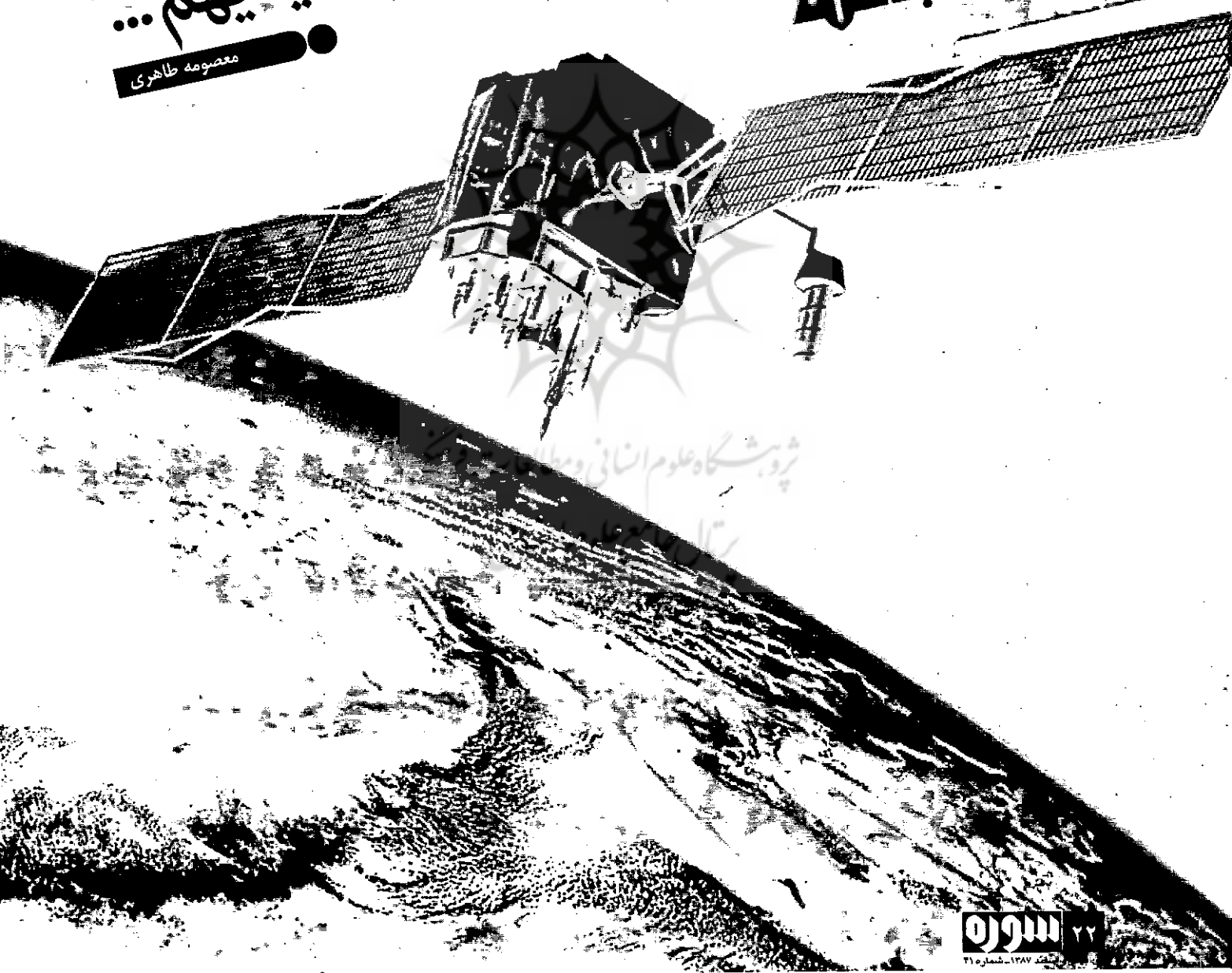
فان حزب الله هم الغالبون



نگاهی به لبنان و رسانه‌ها

یدالله فوق ایدیهم...

معصومه ظاهری



کثیرالانتشاری مانند: روزنامه‌های نیویورک تایمز، واشنگتن پست، ساندی تایمز، وال استریٹ ژورنال، مجلات تایم، سان، نیوز آو دورلد، دیلی میل، یور کشاپریست، منچستر گاردین، نیوز کرونیکل، السفیر و حتی مجلات طنز و فکاهی چون ویکاند که با تیراز بالایی منتشر و توزیع می‌شوند، همگی در سلطه صهیونیست‌ها قرار دارند. نه فقط مدیران عامل این شبکه‌ها و شرکت‌ها بلکه مدیران و پست‌های مهم در سطح پایین آن نیز در دست صهیونیست‌ها هستند.

در پروتکل شماره ۲ حکمای یهود به‌صراحت بیان شده است که: «روزنامه، بهترین و مهم‌ترین وسیله نشر افکار ماست. روزنامه‌نگاری یکی از منابع سرشار فرهنگ است، ولی چون دولت‌ها نتوانستند از آن به‌طور شایسته‌ای استفاده کنند سرانجام به‌دست ما افتاد و به‌وسیله آن توانستیم افکار خود را در اذهان مردم بگنجانیم و صدها کرویر طلا و نقره جمع‌آوری کنیم. هم‌چنین در پروتکل شماره ۱۲ آمده است: «هیچ خبری، پیش از آن که به اطلاع ما برسد، به گوش کسی نخواهد رسید، این یعنی کنترل اخبار جهان به‌دست ماست و تنها خبرهایی به اطلاع همگانی می‌رسد که به نفع ما باشد.»

آن‌ها با همین حربیه و براساس آموزه‌های حکمای یهود، نظام امور رسانه‌ها را در دست گرفته‌اند تا به نفع منافع‌شان بگویند و بنویسند و به تخطئه افکار عمومی بپردازند. در این میان هر گروهی که دم از مخالفت سرداد باید مورد حمله شدید قرار گیرد و منزوی شود. بی‌شک در زمان حاضر مهم‌ترین و تاثیرگذارترین گروه و حزب که رو در روی صهیونیسم ایستاده و شامل مفاد پروتکل حکمای یهود می‌شود، حزب‌الله لبنان است که حاضر نیست در برابر زورگویی‌ها و تجاوزات اسرائیل اشغال‌گر سر فرود آورد. از این‌رو به غیر از حمله‌های نظامی که علیه این دشمن کوچک اما قدرتمند اشغال‌گران انجام می‌گیرد، حمله رسانه‌ای و شاتناژ تبلیغاتی علیه حزب‌الله نیز در دستور کار دشمنان این حزب قرار دارد.

«حجة‌الاسلام طائب»، محقق و پژوهش‌گر در این خصوص اعتقاد دارد: «عصر حاضر عصر انفجار اطلاعات دروغین است. به‌صورتی که خرطوم اخبار در دست خبرگزاری‌های آمریکایی و یهودی است. آن‌ها هم هرطور که بخواهند خبرها را به گوش مخاطبان می‌رسانند. این استراتژی اسرائیل است تا ناجوانمردانه به دفع و نفی دشمنان خود بپردازد، در نتیجه با هر ترفندی در صدد حذف حزب‌الله لبنان هستند، چون این گروه مانند خاری در چشم صهیونیسم است. محبوبیت سیدحسن نصرالله، حتی در میان مردم اسرائیل، بسیار بالاست چه آن‌که نظرسنجی‌ها این مسأله را با قاطعیت به اثبات می‌رسانند، لذا از جمله ترفندهای رژیم اسرائیل برای مهار این قدرت غیر قابل انکار، توسل به رسانه‌هاست. آن‌ها به کمک کارشناسان علم ارتباطات به‌دنبال سانی‌مانتالیزم افکار عمومی برضد حزب‌الله هستند چرا که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قدیمی‌ترین مراکز جنگ روانی در دنیا خوب می‌دانند که تبلیغات و تکرار موضوعی مشخص هرچند دروغ و شایعه باشد بر ذهن شنوندگان در طی زمان تاثیر می‌گذارد. حال اگر این مطلب از رسانه‌های تصویری با رنگ و لعاب مظلوم‌نمایی به نمایش در بیاید، به‌مراتب اثربخشی بالایی بر اذهان خواهد داشت. نمونه این کار را می‌توان در سخن‌رانی جنجالی دکتر احمدی‌نژاد در دانشگاه

دنیای امروز

دنیای تسلط رسانه‌هاست. ما به آن چه کنه آن‌ها می‌گویند، می‌نویسند و نشان می‌دهند اعتماد می‌کنیم و منابع فکری و خبری‌مان را بر مبنای اطلاعات آن‌ها کسب می‌کنیم. در واقع تفکرات، پیش‌داوری‌ها و گاه شخصیت ما به‌طور کامل متأثر از رسانه‌هاست. آن‌ها چشم و گوش ما را به حساب می‌آیند و مانند یک دوست فوق‌العاده صمیمی، ما را به هر سویی که خود می‌خواهند سوق می‌دهند. درمورد جایگاه رسانه‌ها در عصر حاضر می‌توان گفت تاثیرگذاری‌شان به‌حدی است که بیش‌تر باعث تقویت عقیده موجود می‌شوند، زیرا اصولاً عقیده انسان میل به ثبات دارد. این همان فراگردی است که منجر به شکل گرفتن افکار قالبی در میان عوام و پیش‌داوری‌های جمعی می‌شود. اکثر آزمایش‌های تجربی در این خصوص نشان می‌دهند که رسانه‌های جمعی ضمن تاثیرگذاری بر افکار عمومی، عقایدی را که از قبل در میان آن‌ها وجود داشته است تقویت می‌کند. به همین خاطر، سیلاب اطلاعاتی که به‌وسیله رسانه‌های جمعی، اعم از نوشتاری و دیداری، جاری می‌شود، به تدریج تمامی جامعه را در خود غرق می‌کند و افرادی هم که خواهی‌نخواهی در این جو نفس می‌کنند، از چنین اطلاعات درستی یا غلطی تغذیه می‌کنند و مخاطب آن قرار می‌گیرند. این همان حربیه نرم و روانی است که صاحبان ابزار رسانه‌های دنیا با بهره‌مندی از آن به تخریب و بایکوت گروه‌ها و احزاب مخالف اقلیت سرمایه‌دار می‌پردازند و در راس همه آن‌ها صهیونیسم بین‌الملل با نفوذ بر خبرگزاری‌ها، آژانس‌ها و بنگاه‌های خبری و مطبوعات جهان، شاهراه اطلاع‌رسانی جهانی را در اختیار گرفته و در مدت‌زمان کوتاهی بز اکثر مجامع ژورنالیستی سراسر دنیا مسلط شده است. در واقع یهودیان به دلیل این که مشکل مشروعیت دارند، از طریق رسانه‌ها و تاثیرگذاری مستقیم بر آن‌ها درصددند تا چهره خوبی از خود نشان دهند و طی پنجاه سال گذشته نیز همیشه به‌دنبال انحراف افکار عمومی به نفع خود بوده‌اند. این امر را هم رسانه‌ها برای‌شان تسهیل کرده‌اند، زیرا سهام‌داران اصلی و گردانندگان این رسانه‌های بزرگ، یهودیان متنفذ صهیونیستی هستند که اخبار و برنامه‌ها از فیلتر آن‌ها می‌گذرد. این‌ستگاه‌های رادیویی از بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، ان‌بی‌سی گرفته تا روزنامه‌ها و مجلات

درمورد جایگاه رسانه‌ها در عصر حاضر می‌توان گفت تاثیرگذاری‌شان به‌حدی است که بیش‌تر باعث تقویت عقیده موجود می‌شوند، زیرا اصولاً عقیده انسان میل به ثبات دارد



علاوه بر پیشگویی‌هایی که لبنان را جزئی از عوامل تاثیر گذار در آینده بشری معرفی می‌کنند، این کشور چه در زمان حمله مغول و چه در زمان جنگ‌های صلیبی نقشی مهم و حیاتی را بازی کرده و در آن زمان نیز در مقابل تهاجم مغول و صلیبیون به‌عنوان یک دژ محکم برای دو طرف به‌حساب می‌آمده است. امروز نیز لبنان دارای جایگاه بسیار ویژه‌ای در منطقه است؛ از یک سو دروازه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای خاورمیانه است و از سوی دیگر به‌سبب مقاومت شجاعانه حزب‌الله در مقابل اشغال‌گران صهیونیستی به کانون توجهات جهانی تبدیل شده است.

مقاومت حزب‌الله به‌رغم فشارهای نظامی و تبلیغاتی غرب و شرق، با پشتوانه و حمایت مردمی که حاصل تدبیر، تعبد و توانایی‌های مدیریتی، به‌ویژه مدیریت بحران، در این گروه است توانست موفق شود و رژیم اشغال‌گر اسرائیل را آن‌چنان مفتضحانه از سرزمین خودش بیرون کند. درحقیقت حزب‌الله لبنان، مجموعه‌ای اسلامی در جامعه‌ای کاملاً غربی است که با تاسی از انقلاب اسلامی، عظمت اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) همواره بر هجمه شدید دشمنان داخلی و خارجی پیروز بوده است. گرچه هنوز متأسفانه، بخشی از این سرزمین در اشغال اسرائیلی‌هاست، اما همه این‌ها موقعیت و چهره ویژه‌ای به لبنان می‌بخشد. کشوری که مینیاتوری از هم‌زیستی ادیان، مذاهب، گرایش‌های مختلف سیاسی و واقعاً نمونه‌ای از مردم‌سالاری در منطقه خاورمیانه است. اصولاً جامعه لبنان، سنتی و طایفه‌ای است، به‌گونه‌ای که هر قوم و طایفه‌ای بر مبنای گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آزادانه فعالیت رسانه‌ای دارد. سبک و سیاقی که هر چند باعث تفرق و درگیری در بین مردم یک کشور می‌شود، ولی به نظر می‌رسد همه لبنانی‌ها شامل شیعه، سنی، گروه‌های مسیحی، ارمنی، مارونی و اشکنازی، با وجود تنوع فرهنگی و طایفه‌ای، به‌خوبی در کنار هم جمع شده‌اند.

«مهدی‌الشریف»، مبلغ و محقق که سال‌ها در لبنان زندگی کرده است در این باره می‌گوید: «حزب و گروه‌های گوناگونی در لبنان ساکنند که هر کدامشان دارای رسانه مربوط به خود هستند؛ رسانه‌هایی مخالف یا موافق با حزب‌الله. اصولاً رسانه‌ها در لبنان دارای جایگاه مهمی هستند و در منطقه خاورمیانه حتی در کشورهای اروپایی و بخش‌هایی از شمال آمریکا معروفند. در این بین، روزنامه‌ها در لبنان به نسبت سایر رسانه‌ها؛ با فروشی بالا، بیش‌ترین مخاطب را دارند. مردم لبنان هم از پیر تا جوان تقریباً تحلیل‌گر شده‌اند و به سیدحسن نصرالله لقب «الوعدالصادق» داده‌اند. آن‌ها به‌قدری او را قبول دارند که اگر بگوید امروز شب است، همه می‌پذیرند. جالب این است که یهودیان و مردم اسرائیل هم به‌رغم مخالفت با شیعه‌های لبنانی، چون دروغی از سیدحسن نشنیده‌اند تمام حرف‌هایش را قبول دارند. به همین خاطر، دروغ‌ها و هجویات برخی رسانه‌ها را باور نمی‌کنند و حتی به آن‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند. روزنامه‌هایی چون النهار، المستقبل و اللواء (پرچم) وابسته به سنی‌های وهابی عربستان هستند که به‌شدت با حزب‌الله مخالفند و افکار عمومی را علیه آن‌ها تحریک و تحریض می‌کنند، ولی روزنامه الاخبار، الدیار، السفير یا هفته‌نامه

کلمبیا دید که صهیونیست‌ها حواشی تبلیغاتی و مظلوم‌نمایی عجیبی را آفریدند، از جمله سخن‌رانی احساسی خاتم لیونی وزیر خارجه اسرائیل که برای برانگیختن احساسات مخاطبانش علیه رئیس‌جمهور ایران حتی گریه کرد، تا بدین‌وسیله مخاطب قبل از آن‌که در شنیدن سخنان او از عقل و تفکر بهره بگیرد ناخواسته زمام خود را به احساساتش بدهد. به همین خاطر است که کشورها به‌منظور تحقق اهداف خود در عرصه سیاست‌های خارجی، تلاش می‌کنند تا با استفاده از رسانه‌های گروهی مانند رادیو، تلویزیون و ماهواره‌ها تصور و دیدگاه مردم را به نفع خود تغییر دهند. نادر طالب‌زاده نیز در این باره می‌گوید: «دنیا امروز فهمیده است که رسانه‌ها به مردم دروغ می‌گویند و حقایق را بازگو نمی‌کنند.» وی در تبیین این صحبت خود، به سخن رئیس‌مجلس ایالات متحده آمریکا، خاتم نانسی پلوسی، اشاره می‌کند مبنی بر این‌که خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها درباره حادثه یازده سپتامبر به ما دروغ گفته‌اند. طالب‌زاده در ادامه می‌افزاید: «منظور این شخصیت مهم سیاسی آمریکا، رسانه‌هایی چون فاکس نیوز، سی‌ان‌ان و غیره است. وی این جمله را بیان‌گر تفکرات مردم ایالات متحده می‌داند، که از زبان پلوسی مطرح می‌شود. خبرگزاری‌هایی که عروسک‌های مسخ‌شده اقلیت زورمدار و زرمندار جهان سرمایه‌داری هستند و هر گونه که آن‌ها بخواهند به روایت وقایع می‌پردازند.

لبنان خط مقدم جهان اسلام

لبنان کشور کوچک و عروس خاورمیانه است که همگان آن را خط مقدم و دژ دفاعی جهان اسلام می‌دانند. نقشی که امروز این کشور در معادلات جهانی بازی می‌کند، تنها به زمان حال ختم نمی‌شود.

هر قدر هم که شبکه‌ها و آبروسانه‌های قدیمی و وابسته به صهیونیست‌ها تا مدت‌ها با قلع اخبار به کنترل و هدایت افکار عمومی بپردازند، سرانجام زمانی فرا می‌رسد که حقایق آشکار شود



مخالفت و موافق نیز اشاره می‌کند: «اصولاً ائتلاف‌های داخلی، فعال‌تر از حمله‌های رسانه‌های خارجی هستند. گروه‌های مخالف حزب‌الله که به ائتلاف ۱۴ مارس مشهورند و به کشورهای اروپایی و آمریکا وابسته‌اند و با رویکرد مقاومت مخالفند، به‌صورت مختلف، فعالیت حزب‌الله را محکوم می‌کنند. از طرف دیگر، نیروهای ائتلاف ۸ مارس که به ایران نزدیکند و موافق و طرفدار نیروی مقاومت لبنان هستند.»

شبکه المنار در میان رسانه‌های لبنان از جمله رسانه‌هایی است که تأثیر به‌سزایی در تسهیل روند مقاومت لبنان داشته است، زیرا از وقتی که روی کار آمد، با نمایش فیلم‌های استشهادی به‌صورت مستند، از یک طرف ترس و وحشت را در دل صهیونیست‌ها انداخت و از طرف دیگر باعث تقویت و ایجاد انگیزه بیشتر مردم لبنان برای مبارزه با اشغال‌گران مهاجم شده است. به همین خاطر، المنار بارها از سوی هواپیماهای اسرائیلی‌ها مورد حمله قرار گرفته است.

بسیاری از کارشناسان یکی از عوامل پیروزی‌های حزب‌الله لبنان را فعالیت مثبت و تأثیرگذار این شبکه انقلابی می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که یکی از اهداف اصلی تهاجم اسرائیل، در طی جنگ سی‌وسه‌روزه، همین شبکه حزب‌الله بود، با این حال هم‌سویی کامل دولت و ملت و نیز بخش‌های رسمی و غیررسمی لبنان، اعم از اندیشمندان، سیاستمداران، دانشگاهیان، اصحاب مطبوعات و رسانه‌ها و نیز اجتماع خودجوش مردم در مواقع بحرانی که اشغال‌گران به این کشور تعدی می‌کنند و پیروی از سیاست‌های سیدحسن نصرالله، اجازه موفقیت را به دشمن نمی‌دهد. هر چند ساختمان المنار در جنگ سی‌وسه‌روزه، به‌عنوان یکی از اهداف مهم اسرائیلی‌ها

الانتقاد که قرار است به‌زودی روزانه منتشر شود، موافق با حزب‌الله و مبارزان مقاومت هستند. مردم بیش‌تر اطلاعات‌شان را از این جرایم می‌گیرند، چون می‌دانند که جعلیات ندارند، در هر حال رسانه‌ها از ارکان اصلی و مهم کشور لبنان هستند. الشریف در مورد جایگاه رسانه‌های ایرانی در منطقه شیعه‌نشین لبنان یعنی ضاحیه می‌گوید: «مردم آن منطقه ایرانی‌ها را خیلی دوست دارند، ولی رسانه‌های ایران به اندازه کافی در آن‌جا فعال نیستند. این در حالی است که فرانسوی‌ها برنامه‌های مختلف تلویزیونی و ماهواره‌ای زیادی پخش می‌کنند و به‌خوبی جاافتاده‌اند. البته از طرف ایران تاکنون هدایای زیادی برای جنوب لبنان ارسال شده و کارهایی هم صورت گرفته است، اما در مقابل خبرگزاری‌ها و مطبوعات غربی ضعیف هستیم.»

منتظری، خبرنگار ایرانی روزنامه‌های رسالت و الوفاق نیز که مدت زیادی را در لبنان فعالیت کرده و تاکنون نزدیک به دویست مقاله در این خصوص نوشته است، می‌گوید: «لبنان کشوری است که نمی‌شود به‌راحتی رسانه‌های آن را تحلیل کرد، زیرا رسانه‌های مکتوب و مرعی آن، هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ وجود نیروی متخصص و کاردان، از سایر کشورهای عربی منطقه متقدم‌تر است. ۹۹ درصد رسانه‌های لبنانی به بخش خصوصی تعلق دارند. رسانه‌ها و خبرگزاری‌هایی که هر کدام به‌وسیله طیف خاصی اداره می‌شوند، مثلاً المنار پیرو حزب‌الله، المستقبل مربوط به جریان رفیق حریری، ال‌بی‌سی پیرو مسیحیان مارونی، ای‌ام‌بی را مجموعه‌ای عراقی-لبنانی اداره می‌کند. هر کدام از این رسانه‌ها بر اساس خط مشی و شورای اداری و سرپرستی و هم‌چنین گرایش سیاسی خود عمل می‌کنند. به غیر از این‌ها، تنها شبکه دولتی تلویزیون لبنان زیاد فعال نیست، چون خوب تغذیه نمی‌شود. البته آن‌چه در این کشور هفتاد و دو ملت جالب است این‌که در طی جنگ سی‌وسه‌روزه، به‌رغم بعضی مسائل پشت‌صحنه و اختلافات فکری و عقیدتی، همه با هم هم‌بستگی‌های فراگیری به لحاظ رسانه‌ای پیدا و حملات اسرائیل را محکوم کردند. یعنی در این شرایط، رسانه‌های مخالف جرات نداشتند به‌صورت علنی کاری کنند و آشکارا از سیاست‌های حامیان غربی خود پیروی کنند، زیرا به‌خوبی می‌دانستند که با این کار، افکار عمومی را علیه خود می‌شورانند. به‌طور کلی، لبنان دارای شرایط استثنایی و یگانه‌ای در عرصه رسانه‌ای است که آن را در بین سایر کشورها به‌خصوصی خاص بدل کرده است. فضای رسانه‌ای لبنان صددرصد آزاد و بدون محدودیت است و چون متمایل به بافت سیاسی و فرهنگی کشور فرانسه است، در حوزه رسانه‌ها شبیه به این کشور است، اما از طرفی ویژگی خاص لبنان، یعنی نظام طایفه‌ای و سنتی آن، اعمال مدیریت واحد از سوی دولت این کشور را سخت کرده است و از سوی دیگر به‌خاطر استقلال نسبی گروه‌ها، آن‌ها در حوزه رسانه‌ای خود، آزادی کامل دارند. البته نظام طایفه‌ای در همه کشورها مانند لبنان نیست، بلکه از سال ۱۹۹۰ که جنگ‌های داخلی تمام شد و سال ۱۹۹۱ که انتخابات صورت گرفت، هیچ برخورد خاصی در لبنان بین طوایف صورت نگرفته است. هر طایفه‌ای براساس نگرش فکری خود رسانه‌ای در اختیار دارد.» منتظری درباره ائتلاف‌های

ویران شد، اما با این حال، شبکه حزب الله که بر قدرت حقیقی رسانه‌های واقف است، بسیجی‌وار، برنامه‌های خود را بی‌وقفه ادامه داد، بنا برنامه‌هایی که به لحاظ روانی تقویت‌کننده مردم لبنان و سربازان حزب الله می‌شد و از سویی دیگر باعث تخریب روحیه نیروهای صهیونیستی در داخل اسرائیل می‌شد. زیرا می‌دانستند که این شبکه شیعی که از مسلک سیدحسن نصرالله، شاگرد مکتب امام خمینی (ره) پیروی می‌کند، هرگز، حتی به دشمنان خود، دروغ نمی‌گوید و اگر هم فیلمی را به نمایش می‌گذارد، آن فیلم به‌طور حتم واقعیت داشته است و همین امر منجر به ترس و نگرانی آن‌ها می‌شده است. در واقع حزب الله لبنان، در حوزه رسانه‌ها، در چند جبهه می‌جنگد: اول، جبهه داخلی که علاوه بر انتشار افکار، عقاید و آرمان‌هایش باید فاکتورهایی چون وحدت ملی، رقابت قومیت‌ها و احزاب سیاسی را منظور و مدیریت کند. دوم، جبهه منطقه‌ای که بر اساس سیاست انگلیسی «تفرقه بینداز و حکومت کن» طرح‌ریزی شده است. روزنامه‌ها و رسانه‌هایی چون العربیه و الجزیره از جمله رقبایی هستند که دشمنی با تشیع و در راس آن ایران و حزب الله لبنان در دستور کارشان قرار دارد و تلاش وهابیون بر ضد تشیع را که جزئی از فرایض مهم‌شان است را نمی‌توان در این حیطه نادیده انگاشت. سوم، دولت‌های دیکتاتور منطقه که از محبوبیت و مقبولیت سیدحسن نصرالله در جوامع عربی به وحشیت افتاده‌اند، چراکه خواسته یا ناخواسته موقعیت سیدحسن نه تنها به‌عنوان یک الگو و مرجع بلکه به‌عنوان یک رهبر مقتدر عربی پس از جمال عبدالناصر در میان اعراب تثبیت شده است. این در حالی است که دولت‌هایی چون عربستان، مصر و لیبی سال‌ها همانند صدام برای دستیابی به چنین عنوانی از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. از فروش تسلیحاتی و کمک‌های نظامی در جنگ سی‌وسه‌روزه تا مشارکت در ترور شهید عماد مغنیه نمونه‌ایی از فعالیت‌های خصمانه‌ای است که حتی در جنگ سال ۲۰۰۶ به پیام عزت‌مندانه سیدحسن، دبیرکل حزب الله، مبنی بر آن که «اگر حمایت نمی‌کنید، لاقل بی‌طرف باشید» مانند سخن امام حسین علیه السلام که فرمودند: «اگر دین ندارید، لاقل آزاده باشید». نشان‌گر این واقعیت است. جبهه دیگری که حزب الله ناخواسته در آن وارد شده است، پدیده‌های جهانی است و رسانه‌های صهیونیسم و ایالات متحده آمریکا مستقیماً آن را هدایت می‌کنند، رسانه‌هایی که درصددند حزب الله را به‌عنوان یک گروه تروریستی و هم‌ردیف با گروهک القاعده معرفی کنند. اما در واقع حزب الله با توکل بر خداوند، مدیریت صحیح رهبری آن و استفاده از نوآوری‌های خلاقانه تاکنون توانسته است در برابر این سه جبهه به‌خوبی بایستد.

«زعیترا»، مدیر دفتر شبکه المنار در تهران، در این خصوص می‌گوید: «رسانه‌ها در لبنان، مثل بقیه کشورها، نقش به‌سزایی را ایفا می‌کنند. اصولاً در لبنان رسانه‌ها، به‌عنوان پایه‌های اصلی دموکراسی، جایگاه مهمی دارند و اولین چاپ‌خانه‌ها را منتسب به لبنان می‌دانند که به‌صورت مکتوب و مرعی عمل می‌کنند. نویسندگان و کارگردانان لبنانی در دنیا معروف هستند. شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای در بین انواع رسانه‌ها بیش‌ترین مخاطب را دارند. در زمینه تبلیغات هم به نسبت سایر کشورها آزادی عمل بیش‌تری دارند، به همین خاطر تأثیر زیادی بر افکار عمومی می‌گذارند. علی‌الخصوص درباره مقاومت علیه اسرائیل، برخی از رسانه‌ها موافق با عمل کرد حزب الله هستند و برخی مخالف و هر کدام هم نظرات و دیدگاه‌های خود را آزادانه می‌نویسند و به تصویر می‌کشند. شبکه المنار که از سال ۱۹۹۰ میلادی شروع به کار کرد، کم‌کم به تریبون و مهم‌ترین صدای رسانه‌ای مقاومت حزب الله بدل شد، به‌صورتی که در بین مردم و رزمندگان مقاومت جایگاه خوبی پیدا کرد، زیرا نقش به‌سزایی در تقویت

روحیه مردم و در مقابل، تضعیف روحیه دشمن متجاوز داشت. خوشبختانه المنار، به‌رغم ممانعت‌های غربی‌ها، پوشش خوبی دارد و کشورهای عربی، آفریقایی، اروپایی و قسمتی از آمریکای شمالی را تحت پوشش ماهواره‌ای خود قرار داده است، شبکه‌ای که نه تنها برنامه‌های خبری، بلکه برنامه‌های متنوع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نیز پخش می‌کند و نسبت به سایر شبکه‌های منطقه دارای مخاطبان عرب‌زبان زیادی است. المنار به لحاظ کانال‌های لبنانی در بین شبکه‌های دیگر مقام اول تا دوم را دارد، حتی بعد از شبکه‌های منطقه‌ای الجزیره و العربیه در رتبه سوم رسانه‌ای قرار گرفته است.»

جنگ سی‌وسه‌روزه، هر چند برای انعکاس به‌لحاظ حمایت رسانه‌ای در موضع ضعف قرار داشت، اما همانند حماسه امام حسین (ع) اثری فرا رسانه‌ای بر جای گذاشت. چه آن‌که، مانند حماسه عظیم کربلا، آثار و پیامدهای بیدارگرانه این نبرد بسیار زیاد بود. روی آوردن خیلی از افسراد مذاهب و فرقه مختلف در کشورهای گوناگون به سبک تشیع از جمله پسر و بعضی از شاگردان یوسف قرضاوی، مفتی مصر، و سبیل‌شدن حزب الله به‌عنوان الگوی مقاومت، حتی برای مسائلی به‌ظاهر غیر مربوط به رسانه مانند جهانی‌سازی، بیان‌گر آن است که حزب الله با وجود کمبود رسانه، مانند یک بمب رسانه‌ای عمل کرده و توانسته است آثاری جهانی در بر داشته باشد. البته این قضیه به دور کن مدیریت و لطف الهی مربوط می‌شود، زیرا نیروی مقاومت حزب الله لبنان موفق شده است با مدیریتی درست، رسانه‌های دشمن را نیز به ابزاری برای تبلیغ تفکر و نگرش خود تبدیل کند. شاید این عمل هوشمندانه را بتوان با عمل کرد دکتر محمود احمدی‌نژاد در استفاده از رسانه‌های غربی، برای انتقال پیام، در دانشگاه کلمبیا مقایسه کرد (استفاده از رسانه‌ها و خبرگزاری‌های قدرتمند غربی برای معرفی و تبلیغ اسلام) که در هر دوی این موارد، عناصر مدیریت رسانه‌ای را تحت توکل به عنایات حق تعالی می‌توان در نظر داشت. به اعتقاد مدیر شبکه المنار، تبلیغات بخشی مهم از جنگ است و به‌طور حتم رسانه‌های غربی در تبلیغات منفی به‌دنبال استحاله نیروی مقاومت در نزد افکار عمومی هستند. آن‌ها همیشه به‌دنبال ایجاد جنگ روانی هستند و با تبلیغات منفی سعی می‌کنند تا لبنان و به‌خصوص حزب الله را در نزد مردم جهان تخریب کنند، در حالی که وظیفه رسانه‌ها تبیین و بیداری مردم است تا تحت هر شرایطی حقایق را به مردم منتقل کنند. پس ما کاری به آن‌ها و دروغ‌های‌شان نداریم. ما کارمان را به لطف الهی انجام می‌دهیم، حتی در زمانی هم که یکی از ساختمان‌های شبکه در بمباران شدیدی تخریب شد، بدون هیچ وقفه‌ای پخش برنامه‌های خود را ادامه دادیم.

«صلاح فحص»، رئیس دفتر جنبش امل در تهران، در مورد رسانه‌های لبنانی ضمن تکرار و برشمردن ویژگی‌های آن‌ها می‌گوید: «لبنان، از جمله کشورهایایی است که دارای رسانه‌های متعددی است و تقریباً بیشتر از ۵ تا ۶ شبکه فعال دارد که به‌غیر از تلویزیون دولتی و ملی لبنان (تی‌وی لبنان) بقیه در اختیار بخش خصوصی هستند و به‌صورت طیف موافق و مخالف حزب الله کار می‌کنند. همه گروه‌های رسانه‌ای آزادانه قلم می‌زنند. روزنامه‌های لبنان در منطقه خاورمیانه، چه به‌لحاظ تعداد و چه به‌لحاظ گستردگی فعالیت، شهرت دارند. مانند الصحیفه یا الغفار که در خاورمیانه معروفند. شبکه‌های تلویزیونی به نسبت روزنامه‌ها فعال‌ترند، از جمله شبکه‌های موافق می‌توان از ان‌بی‌ان نام برد که بیش‌تر اخبار پخش می‌کند و طرفدار سیاست جنبش امل است تا المنار که دنباله‌رو اهداف حزب الله است. البته شبکه‌های دیگری نیز در این کشور فعالیت می‌کنند، مانند ال‌بی‌سی وابسته به مسیحیان لبنانی، یوتی‌وی که مربوط به اهل تسنن و تحت سرپرستی میشل عون است، المستقبل زیر نظر صادق حریری و یا



در روان‌شناسی جامعه امروز که به جامعه توده‌ای و رسانه‌ای تبدیل شده است نباید این موضوع را فراموش کرد که حتی بازی‌های رایانه‌ای و توضیحاتی که در هر مرحله از یک بازی به کاربر ارائه می‌شود، نقش یک منبع علمی را برای او بازی می‌کند

که در هر مرحله از یک بازی به کاربر ارائه می‌شود، نقش یک منبع علمی را برای او بازی می‌کند و به‌تنهایی توانایی تشکیل اطلاعات فردی وی پیرامون یک موضوع یا موضوعات مختلف را داراست. کاربران هم ناگاهانه بازی می‌کنند، و از کشتن مخالفان خود لذت می‌برند. این همان تهاجم فرهنگی است که در این بازار داغ رسانه‌ای رایانه‌ای نمود پیدا می‌کند و می‌بایست برای مقابله با گسترش آن، فضاها را جدیدی متناسب با این نوع تهاجم را برنامه‌ریزی کرد.

در این بستر، مهندسان و کارشناسان لبنانی برای مقابله با این تیرد رسانه‌ای و فرهنگی، با حداقل ابزار و امکانات نرم‌افزاری، اقدام به ساخت بازی‌های رایانه‌ای کرده‌اند، که در آن کاربران با به انجام رساندن عملیات ویژه‌ای از سوی حزب‌الله لبنان و رزمندگان فلسطینی، مهاجمان صهیونیستی را از پای درمی‌آورند و آنان را از بیت‌المقدس بیرون می‌کنند. اسرائیلی‌ها که خود دارای انواع مختلف و پیشرفته رسانه‌های تصویری و مخصوصاً بازی‌های رایانه‌ای هستند و به کمک آمریکا بازار آن را در دست گرفته‌اند، به شدت نگران فعالیت‌های حزب‌الله لبنان در این رسانه همه‌گیر شده‌اند. این در حالی است که بازی نیروهای ویژه ۲ که به‌مناسبت نخستین سالگرد جنگ سی‌وسه‌روزه لبنان ورژیم اشغال‌گر قدس تولید شده باعث شده است تا صهیونیست‌ها به شدت علیه تولیدکنندگان بازی‌های رایانه‌ای لبنانی اقدامات ویژه‌ای را اتخاذ کنند، زیرا اهالی رسانه و ارتباطات در غرب به‌خوبی می‌دانند که تولید و ترویج بازی‌های رایانه‌ای جنگی و مبارزه‌ای، به‌خاطر جذابیت و هیجانی که دارند، کودکان و نوجوانان را به مقاومت علیه اسرائیل ترغیب و تشویق می‌کنند و همین امر می‌تواند در پیشبرد اهداف رژیم اشغال‌گر، لطمات زیادی وارد سازد.

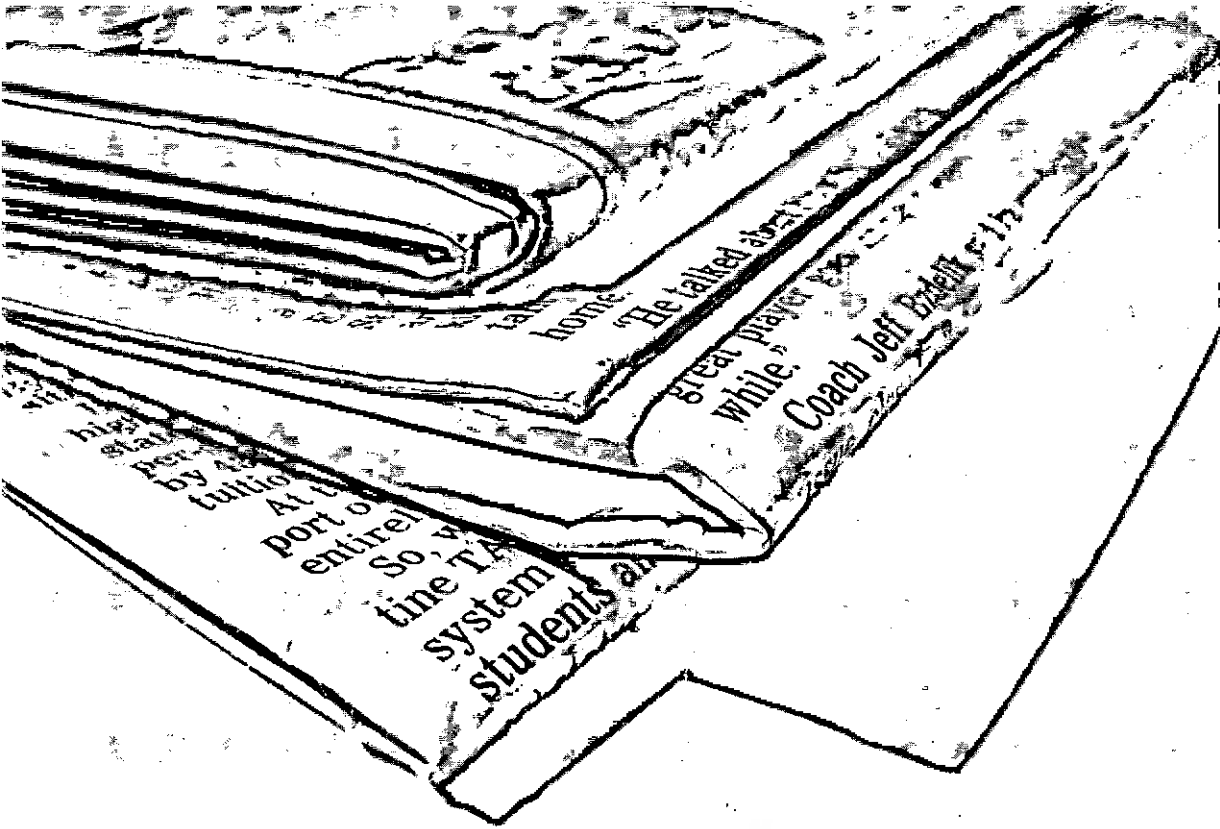
منتظری، این خبرنگار کارکشته که اشراف خوبی بر رسانه‌های لبنانی دارد، در این خصوص می‌گوید: «بازی‌های رایانه‌ای تولید شده در کشورهای اروپایی و عمدتاً ایالات متحده آمریکا از تکنولوژی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پیشرفته‌ای برخوردارند و چون کاربران

تلویزیون لیمبر که تبلیغات زیادی برای مسیحیان می‌کند چون وابسته به همین گروه است. در هر حال هر گروهی بسته به بنیه مالی و قدرت و نفوذش، در حوزه رسانه‌ای آزادانه کار می‌کند.»

لبنان و رسانه‌ای به نام بازی‌های رایانه‌ای

یکی دیگر از رسانه‌های فعال و تاثیرگذار لبنانی‌ها بازی‌های رایانه‌ای است. اخیراً به‌سبب گسترده‌گی انواع بازی‌های رایانه‌ای در بین نوجوانان و جوانان دنیا، رسانه‌های غربی از این تاکتیک نرم برای استتخاله فرهنگی ملل شرقی و اسلامی بهره‌برداری زیادی کرده‌اند. از جمله بازی‌های کانتتر، آی‌جی‌آی، هیت‌من و دلتافرس که هر کدام با ترویج خشونت و کشتار به‌نوعی هژمونی غرب را به تصویر می‌کشند، مانند بازی «جنگ‌های صلیبی» که با هدف تحقیر و اهانت به مسلمانان راه‌اندازی شده است. در این بازی، اروپاییان مسیحی یا همان به‌اصطلاح صلیبیون به بیت‌المقدس حمله می‌کنند و مسلمانان در مقابله با آن‌ها در جنگی وحشیانه و بربرگونه بر آن‌ها غالب می‌شوند و جلوی فتوحات مذهبی آن‌ها را می‌گیرند. شخصیت اصلی این بازی «الطیر» نام دارد که یک روحانی مسلمان است و خود را شمشیر خدا معرفی می‌کند.

او کسانی را می‌کشد که فکر می‌کند لایق مردن و نابودی‌اند و جملاتی را به کار می‌برد که دقیقاً برگرفته از کتاب مقدس یهودیان است. ظاهراً این بازی به‌گونه‌ای طراحی شده است که در سری دوم آن کاربر باید در زمان حال و در ادامه جنگ‌های صلیبی که به شکست مسیحیان انجامیده است، انتقام شکست‌های گذشته پیشینیان خود را بگیرد. که البته این موضوع را تنها می‌توان برای کاربران مسیحی و یهودی، صادق دانست، اما پیامد دیگر این چنین بازی‌هایی را، در کاربر ناآگاه و غافل مسلمان، باید در ایجاد نوعی هویت‌زدایی و مطالعه وارونه تاریخ دانست، مطالعه‌ای که هر چند ناخودآگاه، اما تاثیرگذار است. در روان‌شناسی جامعه امروز که به جامعه توده‌ای و رسانه‌ای تبدیل شده است نباید این موضوع را فراموش کرد که حتی بازی‌های رایانه‌ای و توضیحاتی



زیادی از سنین پایین گرفته تا سنین بالا از آن استفاده می کنند، این بازی‌ها می‌توانند، در طی زمان، ابزاری موفق و تاثیرگذار در انتقال فرهنگ باشند. به همین خاطر، حزب الله لبنان می‌کوشد تا با امکانات و توانمندی‌های موجود، مقابل این حربه فرهنگی غربی و صهیونیستی بایستد و فرهنگ اسلامی خود را تا حد امکان به مخاطبان این رسانه انتقال دهد. در این مسیر شبکه‌های موافق، چون المنار، تبلیغات زیادی برای فروش بازی‌های رایانه‌ای می‌کنند تا فرهنگ اسلامی حزب الله لبنان را نشر دهند. خوشبختانه لبنانی‌ها تا حدودی هم در معرفی این رسانه همه‌گیر موفق بوده‌اند.

رئیس دفتر جنبش امل نیز اذعان دارد: «سازندگان بازی‌های رایانه‌ای، بیش‌تر، آمریکایی‌ها هستند. آن‌ها بازی‌های جنگی خشنی را علیه مقاومت حزب الله، به‌عنوان گروهی تروریست، وارد بازار می‌کنند، تا چهره واقعی این حزب در نزد افکار عمومی مخفی بماند. در مقابل این حرکت، نیروی مقاومت حزب الله نیز دست به مقابله به‌مثل زده و بازی‌هایی را علیه آن‌ها ساخته و وارد بازار کرده است.»

حزب الله و خبثت رقبای رسانه‌ای

وقتی شبکه المنار به پایگاه اصلی مقاومت و مبارزات استشهادی لبنانی‌ها تبدیل شد، علاوه بر تاثیر روانی بر رزمندگان و مردم لبنان و تضعیف روحیه صهیونیست‌ها، بازگوکننده حقایق و وقایع جنوب لبنان در گوش مردم منطقه و سایر نقاط جهان بود. در نتیجه، سیستم اتاق فکر آمریکا برای مقابله با این دفاع نرم، اما مقتدرانه حزب الله، دست به اقدامی مقابل زد. در این استراتژی، کم‌رنگ کردن مقاومت و لوپ کردن جریان‌های استشهادی محور اصلی قرار گرفت. برای آن‌که مناره اذان گوی شبکه المنار کم‌کم در دید مردم از جلوه بیفتد، دست‌های کثیف استعمار، مناره‌های شیطان را علم کرد، شبکه‌هایی تروریستی مانند العربیه که خط مشی تروریستی دارد و تفکرات القاعده را می‌پروراند، در این پروژه شکل گرفت. در واقع استعمارگران حامی صهیونیست‌ها، برای انحراف افکار عمومی نسبت به حزب الله لبنان و نیروی مقاومت، شروع به جایگزینی بن‌لادن و القاعده به‌جای سیدحسن و حزب الله کردند، آن هم برای اعرابی که فقدان یک رهبر مقتدر عربی آن‌ها را به‌نوعی خلاء هویتی دچار کرده بود.

در تلویزیون‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای غرب از حزب الله لبنان

به‌عنوان یک گروه تروریستی یاد می‌شود که همواره باعث دردسر برای ملت مظلوم (۱) اسرائیل می‌شوند. بنگاه‌های خبری غربی، حزب الله لبنان را با متحجران طالبانیزم مقایسه می‌کنند که به‌عنوان یک گروه تروریستی باعث رعب و وحشت در میان عامه مردم می‌شوند. در مقابل، از رژیم نژادپرست صهیونیستی حمایت می‌کنند. این شبکه‌ها با مظلوم‌نمایی، اسرائیلی‌هایی را به تصویر می‌کشند که تحت ظلم و ستم عرب‌های لبنانی و فلسطینی قرار گرفته‌اند، حتی بارها برای این‌که زمینه‌های تزلزل و آشفتگی نیروهای حزب الله را ایجاد کنند با شایعه‌پراکنی رسانه‌ای اعلام کرده‌اند که سیدحسن نصرالله مسموم شده یا از دنیا رفته است. در این بین، دبیر کل حزب الله در گفت‌وگویی با شبکه المنار شایعه این رسانه‌ها را تکذیب کرد و گفت: «این ماجراها صحت گفته ما را که همواره می‌گوییم مطبوعات، رسانه‌ها و ماهواره‌هایی که در پخش این نوع شایعات دست دارند، از یک اتاق سیاه اداره می‌شوند و برای یک هدف واحد کار می‌کنند، تایید کرد.» سیدحسن نصرالله این اعمال را جنگ روانی علیه مقاومت می‌خواند و می‌گوید یکی دیگر از اهداف آن‌هایی که این شایعه‌ها را پخش می‌کنند، آن است که افکار مردم را مسموم کنند و سیاست حزب الله از همان ابتدا، پرهیز از واکنش و توضیح درباره مسائلی است که این نوع رسانه‌ها منتشر می‌کنند.

یکی از پتانسیل‌هایی که باعث بالا رفتن شدت نفوذ و اقبال عمومی به رسانه‌های حزب الله مانند المنار شده است، راست‌گویی و بیان حقیقت بدون کم و کاست است. این مساله که در بطور بالا از زبان مهدی الشریف، مبلغ ایرانی در لبنان، گفته شد یکی از دلایل اصلی پیروزی‌های رسانه‌ای این حزب اسلامی محسوب می‌شود زیرا این رویکرد بر خلاف رویه معمول ابررسانه‌های دنیا به‌خصوص رسانه‌های صهیونیستی است.

مدیر دفتر جنبش امل در این باره می‌گوید: «با وجود تمام مزاحمت‌های رسانه‌های خارجی در لبنان، به‌خصوص در طی جنگ سی‌وسه‌روزه، رسانه‌های لبنانی که در شرایط بحرانی به‌دور از همه اختلاف نظر با هم متحدند، لحظه به لحظه حملات و اتفاقات جنگ را گزارش می‌کردند و مردم را از اخبار مطلع می‌کردند. مانند حادثه دلخراش قانا که انعکاس خوبی از سوی رسانه‌ها داشت و خشم و نفرت همگان را علیه اسرائیل برانگیخت. البته با وجود

قانون آزادی مطبوعات در این کشور، رسانه‌ها آن قدر آزادند (آزادی به شرط صحت و درستی مطلب) تا بنویسند و بگویند که مردم دیگر تحت تاثیر اخبار و نوشته‌های منفی خارجی قرار نمی‌گیرند. به‌طور کلی، خود این رسانه‌های مخالف در لبنان هستند که به‌خاطر وابستگی به بیرون، یعنی اسرائیل یا آمریکا، بیش‌تر اطلاعات و وقایع کشور را تحریف می‌کنند. و البته این مساله چندان عجیبی نیست، چرا که بسیاری از این رسانه‌ها که در لبنان قرار دارند، مستقیماً تحت حمایت مالی و فکری کشورهای خارجی هستند، مثلاً حزب ترقی خواه سوسیال که از مخالفان حزب‌الله است و از بیرون تغذیه می‌شود تا نیروی مقاومت را متزوی کند.

الشریف در خاطر دای از عمل کرد منفی رسانه‌ها در لبنان می‌گوید: «زمانی که هواپیمای لبنانی سقوط کرد، جوسازی و شایعه‌پراکنی رسانه‌ها و شبکه‌های غربی و شبکه‌های وابسته داخلی اوج گرفت. آن‌ها به تحریک افکار عمومی علیه حزب‌الله می‌پرداختند، مبنی بر آن که این گروه تروریستی حتی به دولت لبنان هم رحم نمی‌کند، چه برسد به اسرائیل و سایر کشورهای منطقه. آن‌ها با سیاه‌نمایی به‌شدت قضیه را در روزنامه‌ها تیر زدند و در تلویزیون‌ها به تصویر کشیدند. تا این که وضع به جایی رسید که سیدحسین در یک سخن‌رانی گفت که ما بیش‌تر از همه گروه‌های سیاسی با شما هم‌دردی می‌کنیم، زیرا بیش‌ترین کشته و مجروح را داده‌ایم. دیگر آن که نوجوانی که مرتکب این کار شده هفده‌ساله است و هر وقت بخواهید او را تحویل می‌دهیم، هر چند به گفته خود آن نوجوان خاطی، او چند بار به هواپیمای بساقط شده پیام داده ولی به‌دلیل این که جوابی نشنیده، آن را زده است، اما به‌هیچ‌وجه چنین اقدامی را نباید به حزب‌الله نسبت داد. الشریف در ادامه می‌گوید: «مردم به سیدحسن اعتماد زیادی دارند و می‌دانند که او هیچ‌گاه دروغ نمی‌گوید، همین موضع هم باعث شد تا غائله سقوط هواپیمای لبنانی با این سخنان سیدحسن پایان یابد.» اکنون سیطره نفوذ رسانه‌های مرداک، در جریان بروز بی‌بروای جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان، هم‌چنان به قوت خود باقی است و این سیطره طی ماه‌های اخیر اوج گرفته است، چون همیشه علاوه بر دولت‌هایی مانند آمریکا و انگلیس، رسانه‌ها در غرب نیز مشی و سیاست جانب‌دارانه‌ای را در بازگو کردن حقایق و واقعیت‌ها در دستور کار خود قرار می‌دهند. حتی در بریتانیا دولت به رسانه‌ها دستور داد در انعکاس اخبار تجاوز اسرائیل به لبنان، جانب رژیم صهیونیستی را داشته باشند. اما روزنامه ایندپندنت به‌تازگی جور دیگری ظاهر شد. این روزنامه جدی‌ترین انتقادات را به رژیم صهیونیستی ایراد کرد. اگر چه طرح انتقادهایش همیشه در موضع حمایت از اصل و ماهیت رژیم غاصب صهیونیستی بوده است، با وجود این، همین روزنامه، جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان را به‌شدت محکوم کرده و آمریکا را انگیزاننده رژیم صهیونیستی برای ارتکاب جنایات جنگی در لبنان معرفی کرد. این روند هر چند بیان‌گر قوام و دوام مقاومت در لبنان و تحت تاثیر فشار افکار عمومی جهان صورت گرفته است، اما چنین پدیده‌ای در میان رسانه‌های غربی وابسته به اسرائیلی‌ها کاملاً تازه است. به نظر می‌رسد آن‌ها با توجه به آگاهی از تاثیرپذیری افکار عمومی از قدرت رسانه‌ها، این ترفند موقتی را برای جلب اعتماد مخاطبان به کار برده‌اند، زیرا در هر حال آن‌ها خوب می‌دانند که مقاومت لبنان با تمام سیاست‌های

صهیونیست‌ها و حامیان‌شان کنار نخواهد آمد.

بی‌بی‌سی هم که باری به‌هر جهت و بر اساس شرایط سخن‌پراکنی می‌کند، در روزهای پایانی دولت بوش، صراحتاً آمریکا را شریک جنایات جنگی اسرائیل در لبنان معرفی می‌کند، و بلکه عامل گسترش این جنایات را بوش، پسر رویاه نقره‌ای، می‌داند. حتی در انعکاس اخبار لبنان و وقایع این کشور، بی‌بی‌سی به‌شدت از آمریکا به‌خاطر استفاده از فرودگاهی در اسکاتلند، آن هم بدون اجازه بریتانیا، انتقاد کرد. آمریکایی‌ها سلاح‌های کشتار جمعی را از همین فرودگاه برای اسرائیل فرستادند و از این سلاح‌ها در همین روزهای اخیر توسط رژیم صهیونیستی در لبنان استفاده شد. این وضعیت مورد اعتراض وزیر خارجه انگلیس هم قرار گرفت. در همین مرحله، رسانه‌ها آشکار ساختند که بر خورد آمریکا و اروپا در قبالت تحولات لبنان دچار شکافی عمیق شده است. البته پرواضح است که این رویکرد حمایتی رسانه‌های غربی به لبنان برای جوسازی به نفع سردمداران‌شان است، ولی بیان‌گر تاثیرگذاری عمل کرد این رسانه در تهییج افکار عمومی نیز هست. در حقیقت، جهان امروز، جهان تنوع ارتباطات و تکرار اطلاعات است؛ هر قدر هم که شبکه‌ها و آبرسانه‌های قدیمی و وابسته به صهیونیست‌ها تا مدت‌ها با قلع اخبار به کنترل و هدایت افکار عمومی بپردازند، سرانجام زمانی فرا می‌رسد که حقایق آشکار شود، به‌عنوان مثال سرویس خبری بی‌بی‌سی به مخاطبان خود القا می‌کند که ما بی‌طرفیم و اخبار و گزارش‌های خود را خاکستری نشان می‌دهد، ولی مزورانه و برخلاف شعار خود عملاً در تخطئه افکار عمومی در جهت منافع کشورهای سرمایه دار و قدرتمند گام برمی‌دارند. نباید فراموش کرد که چنین شبکه‌هایی وابسته به سیستم دولتی خود هستند و منافع آن‌ها را دنبال می‌کنند و نه مردم، به‌ویژه مردم مظلوم و ستم‌دیده لبنان و فلسطین را، پس این نوع پوشش خبری به‌ظاهر منصفانه و بی‌طرفانه نیز بی‌هدف نبوده و صرفاً برای حفظ مخاطبانی است که می‌توانند به مخاطبان شبکه‌هایی چون المنار و پرس تی‌وی تبدیل شوند. همین شبکه‌ها بنا به گفته سید سعید تهامی، مدیر اتاق خبر شبکه پرس تی‌وی، «وقتی جوانی اسرائیلی در پی حمله حزب‌الله لبنانی‌ها مجروح می‌شود چنان بزرگ‌نمایی می‌کنند که گویی تمام ملت یهود آسیب دیده‌اند، در حالی که پس از کشتار فجیع قانا یا دیگر مناطق لبنان در پی حملات صهیونیست‌ها، به‌راحتی از کنار آن می‌گذرند و سکوت اختیار می‌کنند، گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است، در حالی که با انعکاس خوب رسانه‌ای در لبنان از واقعه دل‌خراش قانا، تمام جهانیان خشم و نفرتی دوچندان نسبت به اشغال‌گران پیدا کردند.»

لذا بی‌خود نیست که عالمان علوم اجتماعی و ارتباطات، رسانه را ابزار قدرت می‌دانند و صهیونیست‌ها با تسلط بر این وسیله قدرت‌ساز و تاثیرگذار، طی نیم قرن تجاوز، به شست‌وشوی مغزی مردم دنیا پرداخته‌اند. در حال حزب‌الله لبنان به دلیل این که در پیروی از موازین ناب اسلامی، راه صداقت و حقیقت‌گویی را دنبال کرده است، با حداقل ابزار رسانه‌ای (رسانه‌های موافق) توانسته است تمام نقشه‌های اشغال‌گران و عمال وابسته به آن‌ها را نقش بر آب سازد و به‌طور حتم با توکل بر خدا، روحیه ایمان و تقوای جمعی بر همه ابزار قدرت دشمنان شرقی و غربی پیروز می‌شود، هم‌چنان که همواره: «بدالله فوق ایدیهم» ■

بسیاری از کارشناسان یکی از عوامل پیروزی‌های حزب‌الله لبنان را فعالیت مثبت و تاثیرگذار این شبکه انقلابی می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که یکی از اهداف اصلی تهاجم اسرائیل، در طی جنگ سی‌وسه‌روزه، همین شبکه حزب‌الله بود